

ساتورن

(سرنوشت، هنر و گویا)

ماره مالرو

مترجم: ناصر قاسم نژاد
ترجمه از فرانسه



سرشناسنامه: مالرو، آندره، ۱۹۰۱ - ۱۹۷۶ م. Malraux, André
 عنوان و پدیدآور: ساتورن: (سرنوشت هنر و گویا) / آندره مالرو؛ مترجم ناصر قاسم‌نژاد.
 مشخصات نشر: رشت، فرهنگ‌ایلیا، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری: ۱۷۸ ص.
 شابک: ۵ - ۴۶۲ - ۱۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸
 یادداشت: عنوان اصلی. Ecrits sur l'art.
 موضوع: هنر
 شناسه افزوده: قاسم نژاد ناصر ۱۳۳۴ -
 ده‌بندی دیویی: ۷۰۲
 شماره کتاب‌خانه ملی: ۴۱۸۴۸۲



- ساتورن (سرنوشت هنر و گویا) • آندره مالرو • مترجم: ناصر قاسم‌نژاد
- چاپ نخست: ۱۳۹۵ • شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه • شمار جز: ۲
- صفحه‌آرایی: وحید باقری • حروفچینی و آماده‌سازی: کارگاه نشر فرهنگ‌ایلیا
- همه‌ی حقوق این کتاب محفوظ است.
- شابک: ۵ - ۴۶۲ - ۱۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸
- نشر فرهنگ‌ایلیا؛ رشت، خ آزادگان، جنب دبیرستان بهشتی، خ صفایی، خ حاتم، شماره ۴۹
- تلفن: ۳۳۳۴۴۷۳۳ - ۳۳۳۴۴۷۳۲ - ۱۳ • دورنگار: ۳۳۳۲۱۸۲۸ - ۰۱۳

Email: nashreilia@yahoo.com

www.farhang-e-ilya.ir

۷	مقدمه مترجم
۱۱	بیش گفتار
۱۳	نخستین‌ها
۲	کاپریس‌ها
۲۵	«زبان جهانی...»
۵	فجایع
۸۵	«بیدارشان نکن!»
۱۰۷	«اندیشه‌های بهتر از قبل...»
۱۱۳	پیوست
۱۱۹	تصاویر کتاب ساتورن

مقدمه مترجم^۱

نویسنده صد خاطرات، شوالیه دوران نو، در رساله موجز و پرمحتوای ساتورن در پیوندی پیرا و بن نقاشی و ادبیات و با روش تلفیقی تحلیلی خاص خود در احوال و آثار صورتگر نقاشی و طراحی اسپانیایی به غور و بررسی می‌پردازد.

ساتورن (سرنوشت، نرو و گیاه) کوششی در جهت شناخت و شناساندن فرانسسکو دو گویا از ورای آثار روانه و سرنوشت اوست، و همچنین پژوهشی ارزنده در شناخت بُرهه‌ای از سبک‌های هنری و فرهنگی اروپا. از رهگذر این رساله، برآوردی از موقعیت و اعتبار هنر در آن زمان به دست داده می‌شود، دوران گذاری که در آن اقلیم طرح و آرایشی نو را به همه خواهد داشت. در این اثر، به لحاظ روش پژوهش خاص نویسنده، چند سده از تاریخ هنر و فرهنگ اروپا با هم تلاقی می‌کنند تا تحلیلگر بتواند، از آمیزه آثار و وقایع و سرگذشت، با وسعت نظر در معضلی به نام جنون گویا اندیشه کند.

دو دوره متفاوت، دو دوره بیست و پنج ساله، در آثار مالرو به چشم می‌خورد، ابتدا زمان‌ها و بعد نوشته‌هایش پیرامون هنر که با آئینه اعماق^۲ شروع می‌شوند. او در زمینه هنر، به خصوص نقاشی و پیکرتراشی، تقریباً همان تعداد اثر پژوهشی

۱. توضیحات پانویست تماماً افزوده مترجم است که به مقدار معتدله‌ای از یادداشت‌های فرانسوا

دوسن شرون، برای مجموعه پلنیا، نقل و اقتباس شده است.

۲. آئینه اعماق، دو کتاب را شامل می‌شود: ۱. ضد خاطرات و ۲. طناب و موتس‌ها.

نگاشت که دوره پیشین اثر داستانی نوشته بود. شناخته‌ترین‌شان: *آواهای سکوت*، *تناسخ خدایان*. ساتورن هم محصول همین دوران است.

گویا نیز در آثارش دو وجه یا دو چهره کاملاً متفاوت نشان می‌دهد: کلاسیک و پیش مدرن. نقطه عطف آثار دوره دوم، بیماری و ناشنوایی‌اش است که نگرشی نو از جامعه و زندگی عرضه می‌کند. اگر نزد گویا شبهه و شائبهٔ رسالتی مشاهده می‌شود چه بسا رسالتی است که او را در سِلک رسولان تاریکی در می‌آورد، او حامل پوچی و پرخاشگری و سیاه اندیشی است. رسولی که با پرده‌های تاریک ناشنوایی، رسالت و روزش را به انتها می‌رساند.

در نامه‌هایش، به قول مالرو: «خانهٔ برادران کارامازوف!»، مستقیماً روی دیوارهای طرقة هکف، طبقهٔ اول، به رنگ سیاه و قهوه‌ای، این همه اندوه و تباهی و هراس را رد می‌کشد: *خانهٔ ناشنوایش*^۱. یعنی همان ناشنوایی و افسردگی و کوری‌ای که رفت و برگشت او تارهای تیره‌اش را می‌تنید. اما سوی دیگر قضیه، جور ستمگر بود و سوز خوردگی از زمانه‌ای که او را بدین سو سوق می‌داد تا ناباورانه و بریده از همه، فحشاء سیاهش را چنین محنت زابر دیوار منعکس کند.

گویا مصروع نیست، ناشنوایی است مبتلا به دردِ مدالتخواهی. او چنان از سالوس می‌گریزد که عیسی بن مریم از ابله. کاریکاتور بارز در روزهای موسوم به *کاپریس بازتاب خشم* او در برابر خشونت است.

هجوم جنون و دیوانگی در آفرینش هنری، به ویژه در طرح و در نقاشی‌های سیاهش، مؤلفهٔ بارز آثار گویا است و به همین وجه از خلاقیت هنری اوست که مالرو بیشتر نظر داشته و انگشت می‌گذارد و مصمم است تا از لابلای آفریده‌هایش رد پای نبوغ و جنون را درک و دنبال کند. مثلاً تابلوهای *محوطه*

۱. در فوریهٔ ۱۸۱۹، در حومهٔ مادرید و کنار رود مانزانارس، گویا خانه‌ای خریده بود که همسایه‌هایش اسم «خانهٔ ناشنوا» (خانهٔ کره / quinta del sordo) را رویش گذاشته بودند.

دیوانگان یا طاعون زدگانش را نگاه کنید. چه انگیزه‌ای گویا را به نقاشی این صحنه‌ها و افراد وامی داشت؟ از چه رو دمساز و مانوس این چنین موجوداتی گردید؟

مالرو تحریر ساتورن را در سال ۱۹۵۰ به پایان برد اما از زمان نگارش تا زمان انتشار، حدود سی سال فکرش را مشغول داشته بود. مالروی جوان از آن هنگام که با آندره - وارس - فیلسوف اسپانیایی - آشنا شد و سپس گفتگوهایشان پیرامون گویا، از فصاحت وی دایره بر نگارش اثری درباره گویا اطلاع داشت. ولی مالرو پیش از سوارس به نگارش و نشر این اثر توفیق یافت، گرچه به لحاظ حساسیت و تحلیل، به گفته اقدان، برخی از مصالح اندیشه‌گری دیگری به گونه جنینی در این اثر یافت می‌شود. هم - مین سوم یا رد گذرای اندیشه‌های دیگران، مانند: الی فور (موزخ هنری)، اوزتیو دورس (زنکی نامه نویس گویا)، بودلر، پیکاسو، تفوفیل گوتیه و پاسکال پیا. ولی این مالرو برداشته توانست با نبوغ و قدرت خلاقه خارق‌العاده‌اش به چنین هنرنمایی چشمگیری، دست یابد.



اما آن چه مربوط به نگرش یا بینش مالرو می‌شود، از هر دو مطلب ناگزیریم: یکی ایرادی است که بر بوطیقای او - یا مبانی زیباشناسی او - وارد می‌دانیم و دیگری وجه ارتدادی یا سردرگمی موضع هستی‌شناسانه او است، که یکی از دیگری جدا نیست و در راستای هم حرکت دارند.

مورد اول بطلان اندیشه «هنر در مقام ضد سرنوشت» است که هر یک به مثابه عامل یا کیفیتی استحاله گر اندیشه و طرح می‌شود. البته آن چه مربوط به تصرف در واقعیت می‌شود تقریباً تمام هنرمندان، کم و بیش، خواسته و ناخواسته، در واقعیت متصرف می‌شوند حال بستگی دارد تا چه تعریفی از «سرنوشت» داشته

باشیم. قدر مسلم، حرکت هنرِ اصیل در راستای سرنوشت و هماهنگی با آن است، نه در برابر یا در معارضهٔ آن، در متنش جای و جریان دارد. به هر تقدیر، اندیشهٔ شاعرانهٔ مالرو بیشتر متوجه به آرزومندی است تا مؤیدِ اصلیِ اصیل و همیشگی. از این رو اندیشه‌ای واهی است چون از ابزارِ تصعید و تلطیفِ روح، به سبب عدم دسترسی و شناخت واقعی آن، خودِ روح را مراد می‌کند و یا غایت آن می‌پندارد!

مورد دوم ایراد ما اهتزازِ شبحِ بی‌دینی است که در بطنِ برخی از تحلیل‌ها دیده می‌شود، کژتابی یا کژاندیشی‌ای که، ای دریغا، مورثِ صرفِ سکونت در سردوری است گذشته از این، از تمسک به آئینِ برهمنی، در توجیهِ نقشِ نیک و بد، پیچشِ نمایی بر آن مترتب و چه گرهی از کار فروسته گشوده خواهد شد؟

همدلی مالرو با تصویرِ هم‌دلیِ برادرانه و هنرمندانه است. داستانِ شیفته‌گی^۱ است.

ن.ق

۱. توضیح: برای تعقیبِ بهترِ مطالب و منظورِ نویسنده، به دلیلِ گسترهٔ موضوعی و ابجازِ کلام، هرچه تصاویرِ بیشتری در اختیار داشته باشیم به همان اندازه متنِ روشتَرِ دنبال خواهد شد.

پیش‌گفتار

تقدیم به: پاسکال پیا^۱

بیست و پنج سال پیش در چاپ اول این کتاب نوشتم که این اثر نه تسک‌نگاری (منوگرافی)^۲ است نه آن‌قدر که زندگی نامه‌نگاری (بیوگرافی) گرچه بیماری گویا در آن نقش تعیین‌کننده دارد. تصاویر از آن در این جا گنجانده شده‌اند تا جای دیگر زحمت شناسان بر خواننده نباشد. بحران فردیتی^۳ که اروپای اواخر سده هژده از آن رنج می‌برد همان اندازه ژرف است که بحران دورهٔ رنسانس^۴ هرچند این موضوع را کمتر کاویزه باشد. بحران فردیت در اروپای کنونی نیز به همان اندازه ژرف است. گویا سیادتِ نقاش^۵ به مثابهٔ یثالیایی را زیر سؤال می‌برد ولی ابتدا، نظر به شمایل‌انسان دارد که مقبول پادشاهی‌های بزرگ است. غرضم از لابلای این رشته آثار، درک و دریافت یکی از نوآمده‌ترین ماجراهای روحی دنیای غرب بود. تقریباً تمامی آثاری را که این سال‌ها مطالعه خواهیم کرد، نخستین‌های به پایان رسیده کمابیش در اختفا مانده بودند؛ شروع کردیم با روش متوقف شده بود؛ نه فجایع و نه ناهمسانان در زمان حیات گویا در معرض نورش

۱. پاسکال پیا، Pascal Pia، ۱۹۷۹ - ۱۹۰۳، نویسنده و سردبیر روزنامه نبرد که از سال ۱۹۲۰ با آندره مالرو دوستی داشت و صاحب دو کار پژوهشی است، یکی دربارهٔ اپولینر و دیگری دربارهٔ بودلر.

۲. منوگرافی، monographie مطالعهٔ دقیق با ذکر جزئیات.

۳. بحران فردیت، crise de l'individu.

۴. سده‌های پانزده و شانزده میلادی.

فرار نگرفتند. مجموع نقاشی‌های *خانه ناشنوا* را فقط عده محدودی می‌شناختند. این وعظ شورانگیز که سرآمد گویا همچون پاسکال^۱، مستعدی بلندآوازه و نابغهٔ پساترگ گردید. نبوغ نیست، چون که از تمنای هماهنگی گسست و به «هولناکی» پیوست: نبوغ است چون با آفرینش هنری به علاج ناپذیری پاسخ گفته است، بی‌میانجیگری ذاتِ متعالی، آن گونه پاسخی که از آن سبک‌های بزرگ مذهبی بود. سعی من در این جا تحلیل این ماجرای غم‌انگیز بود.

آوریل ۱۹۷۵

۱. بلز پاسکال، Blaise Pascal، ۱۶۶۲-۱۶۲۳، ریاضیدان، فیزیکدان و فیلسوف مسیحی که، پس از مرگ او، پاره‌ای از اندیشه‌هایش پیرامون مسیحیت تحت عنوان *اندیشه‌ها* انتشار یافت.